



از دیشب اتصلا برف می بارد

سبزوار، مقام متیع وزارت داخله دامت شوکته

به مرحمت و عدالت پروری حضرت اشرف گفت‌وگویی که با حاجی آقاتقی به قراری که کتبا معروض داشت اصلاح شد با کمال امیدواری مشغول تجارت و دعاگویی است.

شماره ۴۷/ ۱دی‌محجه ۱۳۲۷

قوچان، سردار منظم حکمران، نیم ساعت به غروب وارد شهر، شجاع‌الدوله در تهیه حرکت ارض اقدس است. از دیشب تاکنون که یک ساعت‌ونیم به غروب است اتصالا برف می‌بارد. اسباب امیدواری عامه گر دید. بجمدا... از هر جهت امنیت حاصل و تازه دیگر قابل عرض نیست.

شماره ۵۱/ ۹دی‌محجه ۱۳۲۷

اخبار از روزنامه مجلس، سال سوم



سیدمهدی سبنقطنی کارشناس مطبوعات

بورس، شطرنج یا مارپله؟

بورس به‌ویژه بورس ایران به‌علل گوناگون در کوتامدت به‌زیان بازیگران خرد است. منظور این نیست که همه آنان زیان می‌کنند، بلکه در مجموع چنین خواهد بود و تنش روانی شدیدی را به افراد حاضر در بورس وارد می‌کند. یک علت مهم این ماجرا وجود بازیگران قدرتمند در بورس است که می‌توانند ریسک‌های بزرگی کنند و با عرضه یا خرید زیاد سهام، بازار را خراب کنند.

مردم عادی در بازار بورس مثل تخته‌پاره‌ای در

امواج خروشان دریا هستند که قدرت چندانی برای کنترل مسیر ندارند. بعد که بازار خراب شد، صدایشان درمی‌آید که چرا ما را فریب می‌دهند. آن هم در بورس ایران که نظارت کافی بر آن وجود ندارد. می‌گویند مردم باید سرمایه‌های خود را وارد تولید کنند. این درست است، ولی مگر مردم تخصص این کار را دارند؟ این کار بسیار پیچیده است. مردم عادی به‌طور معمول باید از طریق این کار را انجام دهند؛ اول از طریق سپرده‌گذاری در بانک‌ها، دوم از طریق خرید سهام شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری با کارشناسان خود می‌دانند کجا سرمایه‌گذاری کنند و تقریباً هم سود میانگینی را به مردم می‌دهند، چون سبد گسترده‌ای از سهام دارند و فرازوفرودهای لحظه‌ای در آن‌ها گم می‌شود. مشکل بورس در حضورهای در کوتاه‌مدت همین فرازوفرودهاست که ریسک را بالا می‌برد و برنده یا بازنده‌شدن را خیلی زیاد می‌کند. ولی بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که سود متعارفی نصیب همه شود. اگر کسی همه زندگی خود را وارد بورس کند، ممکن است برنده شود و ثروت او چند برابر شود، ولی ممکن است بازنده شود و بر خاک سیاه بنشیند. ورود به این بازی اقتصادی زندگی را بر مردم تلخ می‌کند و سروصدای خیلی‌ها برای دعوت از دخالت دولت در بورس درمی‌آید. به‌علاوه چه معنایی دارد که دولت بخواهد برای جبران این باخت‌ها وارد بازی بورس شود؟ ضمن اینکه اساساً چنین دخالتی فقط می‌تواند مقطعی و تسکین‌دهنده و نه درمان‌کننده باشد. مادی‌شدن مردم و هر لحظه حساب برد و باخت‌کردن، اخلاق مردم را نابود می‌کند. اکثریت قاطع مردم باید زندگی روزمره و عادی خود را فارغ از دغدغه‌های سودوزیان یا بردوباخت بگذرانند. این بی‌معناست که ورد و ذکر لحظه‌ای و روزانه بسیاری از مردم شاخص بورس یا فلان شرکت بورسی باشد! ابراز خوشحالی از اینکه مردم به این طریق وارد بورس شوند، مثل همان تولید اورانیوم در زیرزمین به‌وسیله یک دختر نوجوان است. این حضور برای بازار پرتلاطمی چون بورس ایران به‌منایه نوعی بازی محسوب می‌شود که تنش‌های روانی شدیدی را بر بازیگر وارد می‌کند. حضور در بورس باید براساس قاعده بازی شطرنج باشد و نه هفتگی آن گرفته شده است. حضور مستقیم در بورس نوعی طمع و ترس را هم‌زمان ایجاد می‌کند، نگاه فرد به زندگی و پول را تحت‌تأثیر شدید قرار می‌دهد و در نهایت مسئله اصلی برای جامعه تعداد بازندگان هستند و نه بردگان. حالا کی عوارض این رفتار نادرست بروز پیدا کند، نمی‌دانم. آن دسته از سیاستمداران و مسئولان اقتصادی که به‌فکر موقوفات کوتامدت هستند، بهتر است قدری درباره عوارض بلندمدت یا حتی میان‌مدت سیاست‌های خود نیز فکر کنند.



روزنامه شهراُمیدوزنگی

شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۲۷ شماره ۳۲۵

شاهرانews.ir



جامعه

ذهن مرد و ذهن زن، دلایل این آشنایی‌ها متفاوت است و خانم‌ها باید در روابط قبل از ازدواج آگاهانه رفتار کنند.

● دختران با پای خودشان به قربانگاه متجاوزان نروند

به گفته قاضی عابدین‌زاده، در مواردی، فردی به عنوان خواستگار یا به بهانه شناخت، با دختری ارتباط برقرار می‌کند و درخواست عکس می‌دهد. دختر خانم هم عکس‌های خصوصی خود را ارسال می‌کند اما بعد از یک شناخت اولیه به این نتیجه می‌رسد که این فرد، گزینه مناسبی برای تشکیل زندگی و ارتباط نیست و همان‌جا ارتباط را قطع می‌کند اما متأسفانه فرد مقابل از این تصاویر سوءاستفاده می‌کند و با تهدید مبنی بر افشای این تصاویر به آزار جنسی طرف مقابل می‌پردازد. قاضی عابدین‌زاده می‌افزاید: در این موارد دختر خانم‌ها توجه کنند که نباید با این تهدید به قربانگاه فرد متجاوز بروند. چنانچه این تهدیدها صورت گرفت، اگر بلافاصله به مراجع قضایی مراجعه کنند، جلو متجاوز گرفته خواهد شد. یک‌بار رفتن به قربانگاه سبب ادامه تهدیدها و تجاوزهای مکرر می‌شود. بعد از مدتی که کار از کار گذشت خانم‌ها به ما مراجعه می‌کنند. در خیلی از پرونده‌های تجاوز، خانم با پای خودش، البته با ترس و اکراه، به قربانگاه متجاوز رفته است، اما در مراحل قانونی، اثبات این موضوع سخت می‌شود. لذا توصیه می‌کنیم خانم‌ها هوشیارتر باشند و خودشان به قربانگاه متجاوزان نروند.

همچنین پرونده‌هایی داشته‌ایم که افرادی به اسم خواستگار با دختری ارتباط برقرار و تأکید می‌کنند که خانواده او باخیر نشود و در جریان قرار نگیرد. این چه خواستگاری است که خانواده دختر نباید در جریان باشد؟ بدیهی است که طرف مقابل هدفش ازدواج نیست و احتمالاً سوءاستفاده جنسی است. در مواردی دختر خیلی موجه بوده اما به دام متجاوز افتاده است. پرونده‌ای داشتیم که فرد خواستگارنا به دختر گفته بود به منزلش برود تا مادر پسر او را ببیند و با او صحبت کند اما وقتی دختر رفته بود، در خانه کسی نبود و متجاوز در را قفل کرده و به دختر تجاوز کرده بود.

ارش البکاره نبود- بنا به تحلیل حقوقی که گرچه امکان اثبات جنبه کیفری ادعا میسر نیست، مانع از امکان اثبات جنبه مدنی آن نخواهد بود- درباره مهرالمثل و ارش البکاره، قضات رأی می‌دهند. وی همچنین درباره نحوه رسیدگی به پرونده‌های تجاوز در نظر گرفتن حساسیت این پرونده‌ها، توضیح می‌دهد: پرونده‌های تجاوز خیلی سریع در دست بررسی قرار می‌گیرند و حداقل سه قاضی در این پرونده‌ها حضور دارد. حساسیت این پرونده‌ها آن قدر زیاد است که تماماً ضبط می‌شود و کاملاً محرمانه است. مردم معمولاً اشتباه مراجعه می‌کنند که طریقه رسیدگی را طولانی می‌کند و دلایل و استنادات از بین می‌رود. مراجعان این پرونده‌ها فقط باید به محاکم کیفری یک مراجعه کنند؛ از این محکمه به آن محکمه نروند تا فرصت طلایی برای رسیدگی به این پرونده‌ها از دست نرود.

او به‌عنوان یک قاضی زن و باتوجه‌به تجربه رسیدگی به پرونده‌های تجاوز، بر آگاهی بیشتر زنان نیز تأکید می‌کند و می‌گوید: در بیشتر پرونده‌های تجاوز، از قبل ارتباطاتی بین متجاوز و قربانی تجاوز بوده است؛ مثلاً یک آشنایی پیامکی، تلفنی یا قرار ملاقاتی بوده اما در ذهن خانم این است که این آشنایی برای شناخت طرفین است تا در صورت شناخت درست به این نتیجه برسد که آیا این فرد برای ازدواج مناسب است یا نه. درواقع در ذهن یک خانم روابط نامتعارف و ارتباط جنسی برای شناخت طرفین نبوده است اما در ذهن متجاوز این تفکر وجود دارد؛ حالا یا از ابتدا با این نقشه وارد شده تا به هدفش برسد یا اینکه نقشه از پیش طراحی شده نبوده و در تداوم آشنایی در ذهنش خطوط کرده که به هدفش برسد و به تجاوز انجامیده است. لذا در

معاون دادستان مرکز استان از قوانین برخورد با متجاوزان می‌گوید

اشد مجازات برای متجاوزان به عنف

می‌آورند.

معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی با تأکید بر اینکه قربانیان تجاوز، از شکایت ترس نداشته باشند، تأکید می‌کند: بیشتر بانوانی که مورد تجاوز قرار می‌گیرند، ممکن است روابطی در حد تلفنی یا پیامکی و... با فرد متجاوز داشته باشند؛ لذا از اعلام شکایت ترس دارند و نگران‌اند که با اعلام شکایت، خودشان نیز متهم تلقی شوند، حال آنکه این تصور اشتباه است؛ چون قانون در جرائم غیراخلاقی به‌جز اعلام شکایت شاکی خصوصی یا به عنف یا انجام در ملاعام و سازمان‌یافته، اجازه تحقیق را به مقام قضایی نمی‌دهد. قاضی در این‌مورد صرفاً موضوع تجاوز را مورد تحقیق علمی و قضایی قرار می‌دهد و تصمیم نهایی او اعلام اثبات تجاوز از طرف مرد یا رابطه نامشروع از طرف مرد خواهد بود و به سایر موارد بدون اذن قانونی نمی‌پردازد.

وی تأکید می‌کند: در انجام این روابط چنانچه تجاوز اثبات شود مجازات اعدام خواهد بود و چنانچه به دلیل تحصیل سخت دلیل یا علل دیگر اثبات نشود و ارتباط در حد نامشروع تلقی شود، مجازات شلاق را در پی خواهد داشت و البته مانع از این نخواهد بود که قاضی از مجازات‌های تکمیلی مانند تبعید متهم یا اعمال برخی محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های اجتماعی درباره متهم استفاده نکند. در این خصوص در رویه قضایی دو نظر مطرح است؛ برخی قضات صرفاً بعد از

اثبات زناى به عنف، بحث مهرالمثل و ارش البکاره را قابل بررسی می‌دانند. قاضی عابدین‌زاده این نکته را هم به سخنانش می‌افزاید: نظر دیگری نیز وجود دارد که چنانچه زن ادعای زناى به عنف داشت، لیکن دلایل اثبات را نتوانست فراهم کند و ارتباط در حد نامشروع هم ثابت شد لیکن امکان بررسی مهرالمثل و

و شکایت شده و در نهایت فرد متجاوز را محکوم کرده‌اند.

● هنوز هم خواب آن سگ‌ها را می‌بینم اسمش را بر زبان نمی‌آورد. وقتی از او صحبت می‌کنم، می‌گوید «آن سگ‌ها». سمیرا حالا یک دختر دارد و در تمام مدت مصاحبه، بچه چهارماهه را محکم در آغوش می‌فشارد؛ انگار ترسی در وجودش زبانه می‌کشد. چشم‌هایش مثل دردی که او را سر بزنگاه گرفته باشند، هراسان است و آرام و قرار ندارد. از آن ظهر لعنتی به قول خودش، چهار سال گذشته. سمیرا از بچگی دلش همیشه پر از حسرت بوده و غم، اما هیچ‌کدامشان به اندازه داغ تجاوز، او را از پای در نیاورده است. نه غم نان شب و نه غصه‌های مادر برای پول‌نداشتن، حتی برای یک نسخه ساده سرماخوردگی، و نه افتادن زود هنگام پدر به بستر بیماری، هیچ‌کدام او را تا این اندازه در فشار روحی و روانی نگذاشته بود.

سمیرا بیست‌ساله بوده که برای کمک به خانواده مجبور می‌شود دنبال کار برود. کلی دوندگی می‌کند اما کاری پیدا نمی‌کند. به پیشنهاد یکی از دوستانش در یکی از بازارهای شهر فروشنده لباس می‌شود. صاحب مغازه مردی هم‌سن و سال پدرش بوده و او روزهای اول اصلاً فکرش را هم نمی‌کرده که صاحب مغازه از فروشندگانش سوءاستفاده جنسی می‌کند. مرد فروشنده از راه‌های مختلف سعی می‌کند سمیرا را خام اهداف خود کند اما موفق نمی‌شود؛ برای همین یک روز ظهر او را به بهانه اینکه قرار است مشتری بیاید، بیشتر از هر روز، نگه می‌دارد و بعد با کشیدن کرکره برقی مغازه، به او آزار جنسی می‌رساند. سمیرا چوری تقلا می‌کند از دست مرد فروشنده فرار کند که دستش می‌شکند و دماغش خون‌ریزی می‌کند. با وضعیتی که پیش می‌آید، مرد فروشنده سمیرا را رها می‌کند و نمی‌تواند به تعرض جنسی‌اش پایان دهد اما در عین حال او را آزار می‌دهد. سمیرا کار در آن مغازه را رها می‌کند و به‌عنوان کارگر خط تولیدی کارخانه مواد غذایی در شهرک صنعتی مشغول به کار می‌شود. سختی ۱۲ ساعت کار روزانه با دستمزد اندک را به جان می‌خورد تا زندگی‌اش بگذرد. سمیرا حالا دو سالی است که با یکی از بستگانش ازدواج کرده است و دختر چهارماهه‌ای دارد اما هیچ وقت نتوانسته آن لحظات را فراموش کند و حتی می‌گوید: بعد از چند سال هنوز هم خواب آن سگ‌ها را می‌بینم. این را می‌گوید و دخترش را محکم‌تر در آغوش می‌گیرد. سمیرا از همین حالا ترسی در وجودش است که نکند روزی دخترش هم مثل خودش قربانی آزار جنسی شود. چشم‌هایش را اگر می‌کند و موقع رفتن می‌گوید: اگر کسی دست روی دخترم دراز کند، حتماً می‌کشمش.

خشمی نهفته در وجودش زبانه می‌کشد؛ انگار نه گذشت زمان و نه رسیدن به نقطه ثابتی از زندگی، آن شعله خشم را خاموش نکرده است.

در این سال‌ها خیلی خواستگار داشته، اما ترس از مواجه‌شدن با ازدواج و اینکه به همسر آینده‌اش چه بگوید، باعث شده هنوز نتواند به کسی جواب بده بگوید. می‌گوید: به همسر آینده‌ام اگر حقیقت را نگویم تصور می‌کند من دختر سالمی نبوده‌ام و اگر حقیقت را بگویم، نمی‌دانم چطور با این حقیقت کنار می‌آید و در همه عمر چه ذهنیتی خواهد داشت.

مادر مریم اما غصه تجاوز به خودش یک طرف و سال‌ها غم آینده دخترش از طرف دیگر، او را آن‌قدر آزرده است که در ابتدای پنجاه‌سالگی، روزگارش را با خوردن پنج‌شش قرص و دارو در روز طی می‌کند. قرص فشار خون و قند خون بالا و تیش قلب، تنها بخشی از دردهای آشکار شده از سال‌ها غم پنهانش است.

● نقشه شوم

هانی‌ا اما مثل مریم سکوت نکرده و قرص و محکم دنبال رسوایی متجاوزش افتاده است. هانی‌ه هم نگرانی‌هایی از جنس مریم دارد؛ اینکه به همسر آزرده‌اش چه بگوید یا اینکه اگر طی پروسه رفتن و آمدن به دادگاه، بین فامیل و آشنا، کسی از بلایی که بر سر او آمده خبر دار نشود چه جوابی بدهد. باوجود این نگرانی‌ها هانی‌ه نتوانسته متجاوز را به حال خودش رها کند.

هانی‌ه تازه ترم اول دانشگاه را شروع کرده بود که یکی از هم‌کلاسی‌های پسر به او اظهار عشق و پیشنهاد کرد بیشتر با هم آشنا شوند و بعد ازدواج کنند. هانی‌ه درخواست دوستی را رد کرد اما اصرارهای هم‌کلاسی‌اش ادامه یافت. یک روز هنگام برگشت از دانشگاه، پسر در مسیر راه هانی‌ه، سبز شد و اصرار کرد که سوار ماشین او شود تا درباره خواستگاری صحبت کنند. هانی‌ه که از نقشه خبر نداشت، سوار ماشین شد و پسر با قفل کردن در ماشین و بردن هانی‌ه به باغی در اطراف شهر به او تجاوز کرد و حتی از هانی‌ه فیلم گرفت تا با همان فیلم، بعدها او را تهدید به انجام خواسته‌های شومش کند.

هانی‌ه بعد از رهایی از دست این متجاوز ماجرا را به مادرش می‌گوید و مادرش همراهی می‌کند تا شکایت کنند. با اینکه پزشکی قانونی از بین رفتن بکارت هانی‌ه تأیید می‌کند، متجاوز در دادگاه می‌گوید که هانی‌ه با اختیار خودش سوار ماشین شده و به باغ آمده و به این رابطه رضایت داشته است. با این حال دروغ‌های او در چند جلسه دادگاه باعث از بین رفتن صورت مسئله نمی‌شود و دادگاه متجاوز را محکوم می‌کند.

این ماجرا آن‌قدر زندگی هانی‌ه را به هم ریخت که بعد از آن ترک تحصیل و با تمام دوستان دانشگاهش قطع رابطه کرد و گوشه‌گیر و عصبی شده است. تنها دلخوشی هانی‌ه این است که خانواده‌اش او را سرزنش نکرده‌اند و برای بی‌گناهی او راهی دادگاه



بهانه می‌آورد. حتی مدتی پدر فکر می‌کرد کسی ما را درآکرده؛ چون طی یک شب، روحیه و اخلاق و رفتارمان عوض شده بود. سال‌ها گذشت و من و مادر این غم را با خود حمل کردیم اما هیچ‌وقت نتوانستیم چیزی بگوییم. مرد همسایه چهارپنجاه متواری بود و در همین حین پدرم فکر می‌کرد که برای تغییر روحیه ما خانه بهتری اجاره کند و از محله نقل مکان کردیم. بیچاره خبر نداشت که چه بر سر زن و دخترش آورده‌اند. همیشه با مادرم فکر می‌کردیم اگر موضوع را بدانند، خودش را خواهد کشت تا لحظه‌ای با این غم زنده نباشد. مریم به سی‌سالگی رسیده؛ دانشگاه رفته و تا مقطع فوق‌لیسانس رشته مهندسی درس خوانده است.

عابدین‌زاده، معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی:

پرونده‌های تجاوز، از قبل ارتباطاتی بین متجاوز و قربانی تجاوز بوده است؛ درواقع در ذهن یک خانم روابط نامتعارف و ارتباط جنسی برای شناخت طرفین نبوده است اما در ذهن متجاوز این تفکر وجود دارد؛ حالا یا از ابتدا با این نقشه وارد شده تا به هدفش برسد یا اینکه نقشه از پیش طراحی شده نبوده و در تداوم آشنایی در ذهنش خطوط کرده که به هدفش برسد و به تجاوز انجامیده است. لذا

پرونده‌های تجاوز، خانم با پای خودش، البته با ترس و اکراه، به قربانگاه متجاوز رفته است، اما در مراحل قانونی، اثبات این موضوع سخت می‌شود. لذا توصیه می‌کنیم خانم‌ها هوشیارتر باشند و خودشان به قربانگاه متجاوزان نروند. چنانچه این تهدیدها صورت گرفت، اگر بلافاصله به مراجع قضایی مراجعه کنند، جلو متجاوز گرفته خواهد شد. یک‌بار رفتن به قربانگاه سبب ادامه تهدیدها و تجاوزهای مکرر می‌شود. بعد از مدتی که کار از کار گذشت خانم‌ها به ما مراجعه می‌کنند. در خیلی از پرونده‌های تجاوز، خانم با پای خودش، البته با ترس و اکراه، به قربانگاه متجاوز رفته است، اما در مراحل قانونی، اثبات این موضوع سخت می‌شود. لذا توصیه می‌کنیم خانم‌ها هوشیارتر باشند و خودشان به قربانگاه متجاوزان نروند.

مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی:

پرونده‌های تجاوز و تعرض به سرعت رسیدگی می‌شوند



از دست ندادن زمان طلایی، شاید آخرین حلقه برای به‌دام‌انداختن فرد متجاوز باشد؛ زیرا اگر ادعای قربانی تجاوز اثبات نشود، متجاوز تمام عمرش را آزادانه خواهد گشت و هیچ وقت برای عمل شومش، نه مجازات خواهد شد و نه به کسی پاسخ خواهد داد و نه رسوا خواهد شد، حتی ممکن است به قربانیان بعدی

او اضافه شود. هر چند خیلی از قربانیان تجاوز، از ترس آبرو یا نگاه جامعه، از شکایت و به‌دام‌انداختن متجاوز هراس دارند، با آگاه‌سازی درباره این موضوع که نباید متجاوز را به حال خود رها کرد، سکوت خیلی از قربانیان شکسته شده است. در هفته‌های گذشته، موجی از افشاجاری و روایت درباره آزار و تجاوز، فضای مجازی را فرا گرفت. زناى که تجربه تلخ آزار جنسی را دارند، لب به سخن گشودند؛ حتی پای افراد نامدار، چه به‌عنوان متجاوز و چه قربانی، به میان آمد و از سیاست‌مدار و استاد دانشگاه گرفته تا معلم برجسته کنکور و مدرس هنر و افرادی از حوزه سینما و... نامشان به عنوان متجاوز رسوا شد. این موارد حساسیت سیستم قضایی را نیز به دنبال داشت، تاجایی که چند نفر از این افراد نامدار بازداشت شدند. باوجوداین هنوز هم تعداد کمی از قربانیان تجاوز، راه شکایت و پزشکی قانونی را در پیش می‌گیرند و برخی از آن‌ها آن قدر دیر برای به‌دام‌انداختن قضایی متجاوز تصمیم می‌گیرند که زمان طلایی برای اثبات حرف‌هایشان می‌گذرد. مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی در سخنانش بر این موضوع تأکید می‌کند و می‌گوید: در جامعه، حساسیت زیادی درباره پرونده‌های تعرض یا تجاوز وجود دارد و به تبع آن، پزشکی قانونی هم به‌عنوان مرجع رسیدگی به این موارد، با حساسیت ویژه و نهایت دقت و سخت‌گیری، و به سرعت و بدون فوت زمان، به این پرونده‌ها رسیدگی می‌کند. دکتر سیدآر از حجازی در گفت‌وگو با خبرنگار ما، تأکید می‌کند: از آنجاکه زمان طلایی برای اثبات تجاوز و تعرض، تعیین‌کننده است، پزشکی قانونی حتی در خارج از ساعات اداری و زمان تعطیلی، پزشک کشیک دارد و معاینات لازم انجام و تمام یافته‌ها ثبت و ضبط می‌شود. وی با توصیه به اینکه بهتر است بلافاصله بعد از وقوع حادثه تعرض، برای شکایت و پزشکی قانونی اقدام شود، می‌گوید: به‌طور معمول تا پنج‌روز بعد از وقوع حادثه تجاوز، زمان طلایی برای اثبات این موضوع است و بعد از این زمان، اثبات آن سخت و حتی گاه غیرممکن می‌شود. مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی، روند رسیدگی به این نوع پرونده‌ها را چنین تشریح می‌کند: از نظر ساختار اداری و قانونی، فردی که قربانی تجاوز یا تعرض می‌شود، ابتدا باید از طریق ضابطان قضایی به طرح شکایت بپردازد، سپس با ارجاع و معرفی این دستگاه‌ها که کالانتری یا دادگاه است، به پزشکی قانونی مراجعه کند؛ چون بدون معرفی نامه و صرفاً با مراجعه حضوری به پزشکی قانونی، نمی‌توان این افراد را پذیرش کرد. به گفته دکتر حجازی، پزشکی قانونی تمام تلاش و دقت خود را به کار می‌گیرد تا با گزارش کارشناسی دقیق، حکم قضایی درستی در پرونده‌های تجاوز صادر شود. وی درباره اینکه گفته می‌شود بیشتر قربانیان تجاوز از ترس آبرو و افشاشدن این موضوع، از مراجعه به پزشکی قانونی خودداری می‌کنند، توضیح می‌دهد: اصل خیلی حساس و مهم برای سازمان پزشکی قانونی، محرمانه بودن اطلاعات است؛ به‌طور کلی اطلاعات، هویت، گزارش کارشناسی و همه داده‌های هر پرونده در پزشکی قانونی محفوظ و محرمانه می‌ماند، مگر در پرونده‌های خاص که به‌صورت موردی و به دستور دستگاه قضایی موضوعی اعلام شود.



منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد (۶۳)

شهرنشینی شهرو مشهد (۶۳)

فصل هفتم: حق بر فرهنگ

۶-۶- هویت فرهنگی و تاریخی

۱۵۶ مدیریت شهری موظف است نسبت به ارتقای ظرفیت‌های فرهنگی شهرو برای تعلیم و بین‌المللی اقدام نموده و زمینه‌های لازم را جهت معرفی، آگاهی‌بخشی و آموزش هویت فرهنگی و تاریخی شهرو مشهد برای همه شهرو نشینان و گردشگران فراهم نماید.

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرونی شهرو مشهد، گریه‌ور اسکن کنید